

فلسفه مالکیت فکری

پیتر دراهوس

ترجمه و تألیف: محمود حکمت‌نیا
با همکاری:
مهدی معلی
علی تقی‌خانی

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان تحقیق: فلسفه مالکیت فکری

پژوهشکننده: نظام‌های اسلامی، گروه علمی: فقه و حقوق - مترجم: محمود حکمت‌نیا

ارزیابان علمی: آقایان: حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر قربان‌نیا، دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی و دکتر غلامرضا بیوندی

دستیاران پژوهش: مهدی معلی و علی تقی‌خانی

موضوع اصلی: فلسفه مالکیت فکری

مدت انجام تحقیق: ۶ سال



فلسفه مالکیت فکری

پیتر دراهوس

ترجمه و تألیف: محمود حکمت‌نیا
با همکاری:

مهدی معلی و علی تقی‌خانی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۱ شماره‌گان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

انتوگرافی: چاپ و صحافی: چاپ بیدار

سرشناسه: حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۴۲- مترجم، گردآورنده.

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه مالکیت فکری / ترجمه و تألیف: محمود حکمت‌نیا،

مهدی معلی و علی تقی‌خانی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۵۵ ص.

شابک: ۹۶۰۰-۸-۱۹۸-۶۰۰-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: این کتاب بر اساس طرح پژوهشی "فلسفه مالکیت فکری" نوشته

شده است.

یادداشت: بخشی از کتاب حاضر ترجمه کتابی است.

"A philosophy of intellectual property, c1996"

اثر پیتر دراهوس است.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه

موضوع: مالکیت معنوی.

شماره افزودن: معلی، مهدی، ۱۳۶۰- مترجم، گردآورنده.

شماره افزودن: تقی‌خانی، علی، ۱۳۶۰- مترجم، گردآورنده.

شماره افزودن: دراهوس، پیتر، ۱۹۵۵-م.

شماره افزودن: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ردمندی کنگره: ۱۳۹۱ الف/م/۱۳۰۱/ک

ردمندی دیویی: ۳۳۶/۰۴۸

شماره کتبشناسی ملی: ۳۰۱۱۶۴۲

پژوهشگاه و نمایشگاه دائمی: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵-۵۴۰۲ - ۸۸۵-۳۳۴۱

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی.....
۲۱	مقدمه.....
۲۶	ساختار مالکیت فکری.....
۳۱	خاستگاه مالکیت فکری.....
۳۴	گرایش‌های بین‌المللی.....
۳۵	توسعه و تقویت حمایت.....
۳۸	گرایش تحدید و حمایت.....
۳۹	تغییر و تبدیل.....
۴۲	ساختار مباحث مالکیت فکری.....
۴۳	فلسفه مالکیت فکری.....
۴۷	الف) وجودشناسی فلسفی آفرینش فکری.....
۴۸	ب) نظریه ماده و صورت.....
۵۰	ج) نظریه مثل.....
۵۲	د) نظریه جهان سه‌گانه.....
۵۴	ه) اعتباری‌بودن آفرینش‌های فکری.....
۵۵	و) وجودشناسی حقوقی آفرینش فکری.....
۵۵	ز) وجودشناسی فلسفی رابطه.....
۵۶	ح) وجودشناسی حقوقی رابطه.....

- ۵۶..... (ط) روش‌شناسی مالکیت فکری
- ۵۸..... درباره اثر اصلی و ترجمه آن
- ۵۸..... اثر منتخب
- ۵۹..... الف) نویسنده
- ۶۳..... ب) اثر
- ۶۴..... موضوعات اصلی مطرح شده
- ۶۵..... محیط حقوقی ایران
- ۶۷..... روش ترجمه
- ۶۹..... فصل اول: مفاهیم و کلیات
- ۷۱..... مفاهیم
- ۷۴..... برخی تمایزها
- ۸۴..... نظریه اقتصادی
- ۹۱..... ساختار کتاب
- ۹۴..... نکاتی درباره گستره موضوعی مالکیت فکری
- ۹۷..... فصل دوم: توجیه مالکیت فکری؛ بازگشت به مبدأ
- ۹۹..... چرا تاریخ؟
- ۱۰۶..... طبقه‌بندی مالکیت فکری: حقوق روم سخن می‌گوید (قرائت رومی)
- ۱۲۴..... توجیه مالکیت فکری
- ۱۲۵..... کمی‌رایت
- ۱۴۱..... حق اختراع
- ۱۵۰..... نتیجه
- ۱۵۳..... فصل سوم: لای، کار و مشترکات فکری
- ۱۵۷..... اهداف لای در (مالکیت)
- ۱۶۲..... تفسیر نظریه لای
- ۱۶۸..... نظریه لای درباره مالکیت فکری

- ۱۸۲ اجتماع و مشترکات فکری
- ۱۸۲ مشترکات فکری
- ۱۸۸ چهار گونه اجتماع
- ۱۹۵ خلاقیت و مشترکات فکری
- ۲۰۲ انتخاب اجتماع و مشترک
- ۲۱۱ نتیجه
- ۲۱۳ فصل چهارم: شکل: روح مالکیت فکری
- ۲۲۱ نظریه مالکیت هگل
- ۲۳۶ دولت، جامعه مدنی و مالکیت فکری
- ۲۵۳ نتیجه
- ۲۵۵ فصل پنجم: جایگاه اشیای مجرد در فعالیت تولیدی؛ گزارش مارکس
- ۲۶۱ دیدگاه مارکس درباره مالکیت: بررسی سه دیدگاه متعارف و کاربرد آنها
- ۲۶۲ مالکیت به مثابه از خودبیگانگی
- ۲۶۳ کنترل طبقاتی بر اشیای مجرد
- ۲۷۰ نظریه ایدئولوژیکی
- ۲۷۶ کار خلاقانه
- ۲۸۶ مأموریت‌های مالکیت فکری
- ۲۹۸ نتیجه
- ۲۹۹ فصل ششم: مالکیت، فرصت و نفع شخصی
- ۳۰۱ عقلانی بودن رقابت کامل
- ۳۱۶ کار کردهای چهارگانه مالکیت
- ۳۱۶ کارکرد تخصیصی
- ۳۱۷ کارکرد تنظیمی
- ۳۱۹ کارکرد دفاع از خود
- ۳۲۰ کارکرد برنامه‌ریزی

- ۳۲۶ مالکیت بر بازدهها
- ۳۳۲ راهبردهای منع‌کننده
- ۳۳۹ جناح‌های مالکیت فکری
- ۳۴۵ نتیجه
- ۳۴۷ فصل هفتم: قدرت اشیای مجرد
- ۳۵۳ مالکیت و حاکمیت خصوصی
- ۳۶۳ اشیای مجرد
- ۳۷۳ قدرت اشیای مجرد
- ۳۹۰ نتیجه
- ۳۹۱ فصل هشتم: عدالت در اطلاعات
- ۳۹۳ عدالت اطلاعاتی
- ۳۹۷ اطلاعات به عنوان یک مطلوب بنیادین
- ۴۰۲ توزیع اطلاعات
- ۴۱۲ عدالت اطلاعاتی جهانی
- ۴۲۶ نتیجه
- ۴۳۹ فصل نهم: مالکیت فکری؛ دفاع از ابزارگرایی، مخالفت با مالکیت‌انگاری
- ۴۴۳ عقیده مالکیت‌انگاری
- ۴۴۹ مالکیت‌انگاری در عمل
- ۴۶۶ مخالفت با مالکیت‌انگاری
- ۴۷۱ به سوی ابزارگرایی
- ۴۸۴ وظایف مربوط به امتیاز
- ۴۹۱ نتیجه
- ۴۹۳ منابع
- ۴۹۳ الف) منابع مترجم
- ۴۹۳ □ منابع فارسی

□ قوانین و معاهدات.....	۴۹۵
□ منابع انگلیسی.....	۴۹۵
(ب) منابع نویسنده.....	۵۰۱
□ Books and Articles.....	501
□ International Conventions, Treaties and Other Instruments...	534
□ Cases.....	539
□ Legislation.....	579
نمایه اعلام.....	۵۴۱
نمایه اصطلاحات.....	۵۴۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظامی براساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک‌سو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام به عنوان دین هدایت‌فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مستند ارائه‌گشته، بینش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان آسیب‌شناسی و ساخت قدس‌دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌مند برآمده از کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هم‌تنی والا و تلاشی شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی محقق و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان نهادی علمی در قالب پنج پژوهشکده، حکمت اسلامی، دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، دانشنامه‌نگاری دینی، مرکز پژوهش‌های جوان و شانزده گروه علمی تخصصی در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. پژوهشکده نظام‌های اسلامی که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و

مدیریت اسلامی است، به طور خاص با مطالعه نظامات اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و

مدیریتی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و

ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدرسانی

به متولیان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. تحقیق در باب مسائل مستحدثه به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای

نوپیدای قهر؛

۵. پاسخگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی،

اقتصادی، اخلاقی و آموزشی اسلام؛

۶. شناخت و نقد علمی مکاتب و نظامات معارض.

پژوهشگاه برای تحقق اهداف خود با توجه به ساختار دانش‌های مختلف و

نیازسنجی و بررسی مسائل برای اعضای هیئت علمی در برنامه‌های پنج‌ساله

حوزه‌های تمحض را تعریف نموده است تا از این رهگذر محققان با فعالیت

گسترده و مستمر بتوانند حوزه‌های دانش را به خوبی شناخته و در توسعه

مرزهای آن بکوشند. یکی از حوزه‌های تمحض در گروه فقه و حقوق، مالکیت

فکری است. مالکیت فکری به لحاظ فقهی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی دارای اهمیت است؛ به گونه‌ای که در بند ۷ مبانی و ارزش‌های بنیادین

نقشه جامع علمی کشور به «علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندساز،

ثروت‌آفرین و هماهنگ با محیط زیست و سلامت معنوی و روانی و جسمی

آحاد جامعه» اشاره شده است. همچنین در بند ۴ نخستین راهبرد کلان این

نقشه «سامان‌دهی نظام مالکیت فکری در حوزه‌های علم و فناوری» برای

توسعه کشور ضروری دانسته شده است.

با توجه به این نیاز و ابعاد مختلف نظری و کاربردی موضوع و کمبود

ادبیات مناسب در نظام حقوقی ایران، گروه فقه و حقوق بر آن شد تا حوزه

تمحضی با این عنوان طراحی نماید. محقق محوری این حوزه تمحض جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا می‌باشد. ایشان تلاش نموده است با ورود به مباحث فلسفی و نظری از یک سو و تحلیل فقهی ابعاد مختلف مالکیت فکری از سوی دیگر، مباحث و مسائل مالکیت فکری را دنبال نماید. نخستین اثر پژوهشی مبانی مالکیت فکری بود که مورد توجه جامعه علمی قرار گرفت و در جشراره‌های فارابی، کتاب فصل، کتاب سال حوزه، دین‌پژوهان و علامه طباطبایی جایز رتبه ممتاز شد. همچنین، ایشان دارای سابقه تدریس مبانی و مباحث مالکیت فکری در دانشگاه قم، تربیت مدرس و تهران، راهنمایی و مشاوره حدود ده پایان‌نامه کارشناسی ارشد در همین حوزه بوده، چندین مقاله علمی پژوهشی در حل مسائل مالکیت فکری ارائه نموده است.

در ادامه، گروه به توسعه منابع انسانی خود در حوزه مالکیت فکری اقدام کرده، در همین راستا جناب آقای مهدی معلی نیز به عنوان همکار در حوزه تمحض، فعالیت خویش را آغاز نمود. از آنجا که ادبیات نظریه مالکیت فکری ریشه در مکاتب فکری گوناگونی دارد و بدون توجه به تحلیل این مبانی نمی‌توان به درستی ساختار نظام‌مند مالکیت فکری را دریافت، گروه فقه و حقوق اثر حاضر را به عنوان یکی از کارهای مناسب در دستور کار خویش قرار داد. خصوصیت آشکار کتاب حاضر اینست که محقق آن - پیترا دراموس - کوشیده است با احاطه بر نظریه‌های گوناگون، گامی به سوی نظریه‌پردازی در مالکیت فکری بردارد؛ ولی همچنان‌که خود در مقدمه ترجمه فارسی کتاب اشاره دارد، تحلیل وی در بستری از نظریه‌های فلسفی غرب صورت گرفته است و به همین دلیل، استفاده از آن در نظام‌ها و مکاتب حقوقی دیگر نیازمند دقت نظر و مطالعات تطبیقی عمیق‌تر و در نهایت اظهار نظر درباره ساختار مالکیت فکری براساس مبانی فقهی - فلسفی بومی و در چهارچوب نظام حقوقی بومی است.

مترجمان اثر حاضر آقایان دکتر محمود حکمت‌نیا، مهدی معلی و علی

تمی‌خانی نیز تلاش وافر داشته‌اند تا با رعایت امانت، آن را به فارسی برگردانده و در پاورقی مواردی را توضیح دهند. همچنین، جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا و همکار ایشان جناب آقای مهدی ملسی، مقدمه علمی مجزا از ترجمه تهیه کرده‌اند. در مقدمه حاضر، تلاش شده است به مطالعات و پژوهش‌های دیگری که در حوزه مالکیت فکری انجام شده و نیز گرایش‌های حقوقی اشاره شود و با توجه به ساختار مباحث فلسفه مضاف، راهی برای بومی‌سازی مباحث مالکیت فکری ارائه گردد. هر دو بخش به وسیله ارزیابان مورد بررسی قرار گرفت. جناب آقای دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی بخش ترجمه را بازبینی کردند و مقدمه علمی را جناب آقای دکتر ناصر قربان‌نیا و جناب آقای دکتر غلامرضا پیوندی مورد ارزیابی قرار داده، نتیجه آن در شورای علمی گروه مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم به وسیله مترجمان و محققان صورت گرفت.

گروه فقه و حقوق با همکاری محققان این حوزه می‌کوشد در ادامه و با استفاده از پژوهش‌های صورت گرفته، نظام مالکیت فکری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را به جامعه علمی و اجرایی کشور عرضه نماید.

گروه بر خود لازم می‌داند از مترجمان و محققان محترم این اثر، ارزیابان گرامی و شورای علمی گروه و نیز جناب آقای عظیم قهرمانلو که ویراستاری اثر را بر عهده داشتند و سروراستار محترم پژوهشگاه جناب آقای محمدباقر انصاری و همچنین، جناب آقای محمدجواد کاظمی پور که در پیگیری امر سهمی داشتند و از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، انتشار و توزیع این اثر می‌باشد، تشکر نماید.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی

کتاب فلسفه مالکیت فکری برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶م منتشر شد. این کتاب تاکنون به زبان‌های چینی و ژاپنی ترجمه شده است و هم‌اکنون، به واسطه کار علمی و تلاش فراوان استاد محمود حکمت‌نیا و مهدی معلی به فارسی برگردانده شده است. پیام اصلی کتاب حاضر این است که حق مالکیت فکری از حقوق مالکیت قراردادی یا طبیعی نیست، بلکه امتیازی بر اطلاعات و دانش است. این امتیازات ابزاری هستند که دست‌کم باید به پیشرفت تجربه بشر کمک کنند. در ادامه [کتاب] آمده است که کسانی که مسئولیت قانونگذاری بر عهده آنهاست، هنگام تصویب این امتیازات انحصاری باید با دقت بیشتری بیاندیشند و اقدام کنند.

ترجمه [فارسی] حدود شانزده سال پس از نخستین چاپ کتاب، منتشر می‌شود. در اینجا فرصت را مغتنم می‌شمارم تا به طور اجمال برخی تأملات را درباره آنچه در این مدت بر مالکیت فکری گذشته است، بیان کنم. نگاهی به شانزده سال گذشته روشن می‌سازد که مالکیت فکری در سطح جهانی درست در همان مسیرهایی توسعه یافته است که علیه آنها استدلال کرده‌ام. یکی از استدلال‌های کلیدی بنده این بود که ایجاد امتیازات بیشتر که دارنده امتیاز را قادر می‌سازد دسترسی به دانش را محدود سازد، خطر [تشکیل] یک قدرت خصوصی توجیه‌ناپذیر را افزایش می‌دهد؛ قدرتی که علیه تجارت و بازار آزاد برنامه‌ریزی می‌کند. در کاری که من به اتفاق همکارم

جان بریث‌ویت^۱ انجام دادیم، نشان دادیم که چگونه شبکه‌ای از لابی‌گران و شرکت‌های چندملیتی امریکایی که همراهی شبکه‌های بخش خصوصی اتحادیه اروپا را با خود دارد، به ایده «موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری» (تریپس)^۲ نگرسته و محتوای آن را شکل داده‌اند.^۳ همه اعضای سازمان جهانی تجارت^۴ نسبت به اجرای تریپس متعهدند. این شبکه‌ها همچنان فرایندهای سیاست‌گذاری عمومی در کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. [در همین راستا] از حق اختراع^۵ برای مداخله در فرایندهای اساسی مبادلات تجاری استفاده می‌شود؛ برای نمونه، برخی دولت‌های اتحادیه اروپا برای توقیف محصولات دارویی جنریک در حال حمل در کشورهايشان به بازار ثالث، از مقررات کنترل مرزها استفاده می‌کنند؛ داروهایی که به طور قانونی در هند تولید شده‌اند، ولی گفته می‌شود ورقه‌های اختراع ثبت‌شده در آن کشورها (و نه در هند) را نقض می‌کند.

موافقت‌نامه تریپس که در سال ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا شد، آغازگر ورود نظام‌مند نهادهای تجاری چندجانبه به مالکیت فکری بود. این موافقت‌نامه همچنین به معنای پایان یک‌جانبه‌گرایی امریکا در مالکیت فکری بود. در حال حاضر می‌توان دید که دولت‌ها موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای را در کانون سیاست تجاری خود قرار داده‌اند و امریکا به حفظ موضع تهاجمی سلطه‌جویانه^۶ خود در مالکیت فکری به واسطه سازوکارهای الزامی تجاری ادامه می‌دهد. فصول پیچیده

1. John Braithwaite.

2. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

3. See Peter Drahos with John Braithwaite, *Information Feudalism: Who Owns the Knowledge Economy?*, Earthscan, London, 2002.

4. World Trade Organization (WTO).

5. Patent Rights.

6. Aggressive Stance.

در مالکیت فکری بخشی معمول از قراردادهای تجارت آزاد امریکاست. اتحادیه اروپا نیز موضع سختی در مالکیت فکری دارد. نهاد سازمان جهانی تجارت بسیار ضعیف‌تر از آن به نظر می‌رسد که در زمان تشکیل به نظر می‌رسید. طبق استدلال بنده، دلیل اصلی این امر آن است که امریکا و اتحادیه اروپا به آن بی‌اعتنایی می‌کنند و ترجیح می‌دهند دستور کارهای خود درباره مالکیت فکری را از راه قراردادهای تجاری دوجانبه دنبال کنند.

تهاجم [سلطه‌جوانه] مستمر امریکا در حوزه حقوق مالکیت فکری، تبیین ساده‌ای دارد. هنگامی که دولت‌ها انحصارات مالکیت فکری را در اقتصادهای خود اجرا می‌کنند، شرکت‌های چندملیتی امریکا منافع هنگفتی به دست می‌آورند؛ برای نمونه، از دیدگاه اطلاعات تجاری، با صادرات یک محصول فناوری اطلاعات از چین به امریکا، ممکن است به نظر برسد توازن تجاری چین - امریکا به نفع چین ایجاد می‌شود؛ ولی محصول فناوری اطلاعات و اجزای آن ذیل پوشش مجموعه‌ای از حقوق مالکیت فکری قرار دارد. شرکت‌هایی مانند اپل،^۱ آی.بی.ام.^۲ و ایتسل^۳ از این مجموعه حقوق مالکیت برای کسب بیشترین سهم از ارزش ایجادشده در شبکه‌های جهانی تولید که در ورای محصولات نهایی قرار دارند، استفاده می‌کنند؛ برای مثال، سهم چین از یک آی.پد^۴ ۴۹۹ دلاری به حدود ۲۵ دلار می‌رسد (هزینه کارگری)،^۵ اگرچه نرخ درب کارخانه^۶ محصول مونتاژشده برای صادرات از چین به امریکا، ۲۵۰ دلار است.^۷

-
1. Apple.
 2. IBM.
 3. Intel.
 4. iPad.
 5. Labour Costs.
 6. Factory Gate Price.
 7. Greg Linden, Kenneth L. Kraemer and Jason Dedrick, "Who captures value in the Apple iPad?" July 2011, available at <http://pcic.merage.uci.edu/papers/2011/Value_iPad_iPhone.pdf>.

در سطح فلسفی می‌توان به مالکیت فکری به عنوان فراهم‌کننده سطوح نهایی در بنیادی‌ترین فرایند سرمایه‌داری جهانی یعنی مالکیت‌سازی^۱ نگریست. در این فرایند تقریباً همه چیز - همچون ژن‌ها، بذرها، الگوریتم‌های شکل‌دهنده چهارچوب فناوری اطلاعات، روش‌های تجارت، متون، تصاویر، اطلاعات و... - موضوع نوعی حصارکشی^۲ قرار می‌گیرد تا قابلیت استخراج ارزش مالی خصوصی را بیابد. در جای دیگر، استدلال کرده‌ام که در واقع حق مالکیت فکری شکلی از مالیات‌گیری خصوصی است و اینکه استفاده از این قدرت مالیات‌گیری خصوصی، خلاقیت را تهدید می‌کند؛ یعنی دقیقاً همان چیزی که برای کمک به آن ایجاد شده است.^۳ همچنین روشن است که حق مالکیت فکری به جای ساز کار پاداش به خلاقیت سودمند اجتماعی، به طور فزاینده‌ای به ابزاری برای برنامه‌ریزی ریزکانه مالی^۴ بدل شده است.

در [کتاب] «فلسفه مالکیت فکری»، از تلقی ابزارگرایانه مالکیت فکری دفاع کرده‌ام که در آن مشترکات فکری مثبت برای جوشش خلاقیت انسان دارای اهمیت است. امروزه جنبش‌های گوناگونی وجود دارد که از نسخه‌ای از مشترکات حمایت می‌کنند. جنبش‌هایی که می‌توان آنها را در برابر نظام مالکیت‌سازی سرمایه‌داری دید. جنبش مشترکات خلاقانه،^۵ جنبش نرم‌افزارهای رایگان،^۶ جنبش منبع باز،^۷ جنبش دسترسی به دانش^۸ و جنبش دسترسی به

-
1. Propertization.
 2. Enclosure.
 3. Peter Drahos, *The Global Governance of Knowledge: Patent Offices and Their Clients*, Cambridge University Press, Cambridge, 2010.
 4. Financial Manipulation
 5. The Creative Commons Movement.
 6. The Free Software Movement.
 7. The Open Source Movement.
 8. The Access to Knowledge Movement.

دارو،^۱ در کنار ظهور احزاب سیاسی مختص به مبارزه با تجاوز به آزادی دیجیتال شهروندان (با عنوان «احزاب سرقت ادبی»)^۲ در کشورهای مانند آلمان و سوئد، همگی نمونه‌هایی از چنین اقداماتی هستند. این جنبش‌ها سیاست‌های ملی پیچیده‌تر و عمیق‌تر مالکیت فکری را ایجاد کرده‌اند که تا حد زیادی در دهه ۱۹۸۰ و اوائل دهه ۱۹۹۰ وجود نداشتند. این امر به گسترش درک و دانش وسیع‌تر از مالکیت فکری کمک کرده است.

پاسخ به این پرسش که آیا این جنبش‌ها دگرگونی عمیق‌تر نظام مالکیت‌سازی سرمایه‌داری را تسریع می‌کنند، مشکل است. استدلال من این است که کشورهای قدرتمند در حال توسعه مانند چین، هند و برزیل، در حال پذیرش نظام مالکیت فکری‌اند؛ زیرا معتقدند این نظام به افزایش قدرت آنها به عنوان یک دولت کمک می‌کند. اگر این دولت‌ها رویکردی انتقادی‌تر نسبت به مالکیت فکری به کار نگیرند، قابلیت‌های آن برای دگرگونی به نظامی که به آزادی فردی و جوامع کمک کند، کاهش می‌یابد.

برای همه کشورها موقعیتی قوی برای توسعه یک دیدگاه آگاهانه فلسفی نسبت به مالکیت فکری وجود دارد. نظام‌های فعلی مالکیت فکری محصولات تاریخی سرمایه‌داری غربی‌اند که ذیل شرایط هژمونی آمریکا، جهانی شده‌اند و بیشتر آنچه درباره آنها گفته می‌شود، موج تبلیغاتی عمیق‌تری است. با این حال، هیچ دولتی نمی‌تواند در مسیر بی‌اعتنایی به این نظام‌ها تاب بیاورد. مالکیت شاید بنیادی‌ترین نهادها باشد. قواعد آن معین می‌کنند چه کسی به چه منابعی و در چه شرایطی دسترسی داشته باشد. مالکیت فکری [نیز] دسترسی به دانش تجسم‌یافته را تعیین می‌کند؛ منبعی که برای پیشرفت (شخص، اجتماع و یک ملت) اساسی است. استفاده از قوانین کیفری برای اجرای قواعد مالکیت

1. The Access to Medicines Movement.

2. Pirate parties.

3. Ideological Propaganda.

فکری، آثار عمیقی بر آزادی و پیشرفت انسان دارد. جهانی‌سازی مالکیت فکری پرسش‌های بنیادینی را برمی‌انگیزد درباره اینکه چه کسی باید قدرت مالیات‌گرفتن از ابتکار[ات] را داشته باشد. چه اصولی از انصاف^۱ این قدرت را پشتیبانی می‌کند و چگونه باید با فقرا رفتار کنیم، هنگامی که از دسترسی به ابتکار[ات] سخن می‌رود.

در پایان باید گفت این پرسش‌ها اخلاقی‌اند؛ [ولی] متأسفانه در جهان امروز از راه استدلال اخلاقی پاسخی به آنها داده نشده است؛ در عوض [پاسخ این پرسش‌ها] در نتیجه کشمکش‌های ژئوپولیتیک^۲ دولت‌هایی تعیین می‌شود که با شبکه‌های صاحبان صنایع متحد شده‌اند؛ صاحبان صنایعی که از راه شکل‌دادن به قواعد مالکیت فکری به دنبال سودآوری‌اند. هدف من در [کتاب] «فلسفه مالکیت فکری» این است که نشان دهم چرا مالکیت فکری نیازمند برخورد فلسفی متفاوت از مالکیت قراردادی است و [همچنین] یک راه برای تحلیل [مسئله] ارائه دهم. البته تحلیل من براساس منابع فلسفی غرب انجام می‌شود؛ بنابراین از محدودیت‌های همان دیدگاه‌ها رنج می‌برد. امید من این است که خواننده این ترجمه از راه این بحث‌ها انگیزه کافی را برای آغاز استدلال درباره این موضوعات براساس دیدگاه‌ها و سنت‌های فلسفی دیگر بیابد.

پیتر دراهر

استاد، دانشگاه ملی استرالیا؛ کمی مالکیت فکری،

کوئین مری، دانشگاه لندن

1. Principles of Fairness

2. Geo-Political Struggles.

مقدمه

یکی از تحولات اساسی سه قرن اخیر، ورود ماشین و فناوری به زندگی اجتماعی انسان است که باعث تحول از ابزارهای دستی به نیروی ماشینی شد. ورود و حضور این عناصر به اندازه‌ای عمیق بر ساخت‌های گوناگون زندگی بشر اثرگذار بوده است که از آن به انقلاب صنعتی یاد می‌کنند. استفاده از ماشین و فناوری باعث افزایش روزافزون سلطه انسان بر طبیعت، افزایش تولید، توسعه و تغییر^۲ روابط افراد، آسانی تجارت و رد و بدل کالا در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییر در روابط سیاسی و حتی وقوع جنگ‌های بزرگ شد. در فضای جدید، ابتکار و نوآوری محققان سیر صعودی گرفت و در همین جهت، روند تبدیل علم و فناوری به ثروت، جایگاه رفیعی یافت. در دنیای صنعتی جدید اگر چه تولید انبوه

1. Industrial Revolution.

هرچند اطلاق انقلاب بر این تحول به دلیل تدریجی بودن جریان صنعتی شدن، محل تأمل و اشکال است. برای دیدن منابعی در این باره، رک:

Maxine Berg and Pat Hudson. "Rehabilitating the Industrial Revolution". 45 *The Economic History Review* 1, 24-50 (1992), <JSTOR 2598327>.

۲. برای مثال، روابط کارگر و کارفرما در این دوره شکل به خصوصی گرفت. کارفرمایان قدرتمند در برابر کارگران بودند؛ کارگرانی که با وضعیت اقتصادی بسیار سختی دست و پنجه نرم می‌کردند و کودکان و زنان درصد زیادی از آنان را تشکیل می‌دادند.

کالا و به تولید نشانیدن ابداعات و اختراعات و تکثیر و توزیع آفرینش‌های ادبی و هنری چندان دشوار نبود، ولی زمینه‌سازی و صرف هزینه سنگین برای اندیشیدن و فراهم آوردن مقدمات استفاده از نبوغ و خلاقیت بشر و در نتیجه دستیابی به ابداع، اختراع و نوآوری‌ها کار آسانی نبود؛ به عبارت دیگر هزینه تولید فکر، سنگین، ولی در مقابل، بهره‌برداری از نتیجه آن و تبدیل محصول فکری به کالای اقتصادی چندان دشوار نبود. از سوی دیگر، عرضه کالای تولیدشده متناسب با نیاز و خواست مردم، آسان و پرسود بود. همزمان با تحولات وسیع در حوزه صنعت، تحول در حوزه علوم انسانی نیز شدت یافت. نظریه‌های اقتصادی در جهت فهم و تنظیم روابط اقتصادی تولید، توزیع و مصرف، به وجود آمدن نهادهای حقوقی برای تحقق نظم و عدالت، شکل‌گیری دولت‌های مدرن به همراه مبانی فلسفی، اخلاقی و سیاسی متناسب با ایده‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی برای نقش‌آفرینی در روابط داخلی و بین‌المللی و راهکارهای جدید برای سامان‌دهی تولید علم و اقتصادی کردن آن از ویژگی‌های این دوره است. روش‌ها، ایده‌ها و نظریه‌های جدید، به حوزه قانون و قانونگذاری رسوخ کرد و نهادهای حقوقی نو پدیدار گشت. مباحث حقوقی از راه مبادلات فرهنگی گسترش یافت و زمینه برای همگرایی بین‌المللی برای جریان‌سازی و شکل‌دهی معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شد.

از جمله نهادهای یا اهمیت که متناسب با انقلاب صنعتی به حوزه حقوق و اقتصاد راه یافت، نهاد مالکیت فکری (مالکیت معنوی) بود. پیش از آن، بشر براساس قواعد نظام‌های حقوقی شناخته‌شده و در حال اجرا، مالکیت بر اشیای ملموس را به خوبی می‌شناخت. براساس این قواعد اگر کسی بر شیء فیزیکی مالکیت داشت، دیگری حق تعرض به آن را نداشت و از سوی دیگر، مالک با رعایت اصولی حق تصرف در اموال خود را داشت. در همه نظام‌های حقوقی روش‌های ایجاد مالکیت بر اموال و نقل و انتقال و از میان‌رفتن آنها و قواعد حمایت از مالکیت و ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری به خوبی طراحی شده بود؛ برای نمونه مالکیت مشروع در نظام حقوقی اسلام به اندازه‌ای دارای احترام است

که در برخی روایات،^۱ احترام اموال مانند احترام نفس قلمداد شده است و آثار چنین احترامی در حوزه عبادت، اخلاق و حقوق به خوبی طراحی شده است. بشر در روزگار جدید خویش با پدیده‌ای دیگر روبه‌رو شد. او به خوبی پی برده بود، یافتن ایده‌های نو و دستیابی به ابتکار و ابداع هنگامی در زندگی‌اش مؤثر و مفید است که در خارج عینیت یابد و به صورت یک شیء فیزیکی قابل استفاده خودنمایی کند. اختراعات و ابداعات با کنار هم نهادن قواعد طبیعت و فرمول‌های معین شکل می‌گیرد و نتیجه آن هنگامی اثرگذار خواهد بود که بتواند در قالب یک شیء فیزیکی تجسم یابد. از جمله دلایل اینکه با تجسم یافتن اختراع در شیء فیزیکی، تکثیر آسان آن و در نتیجه کسب منافع مالی از آن ممکن می‌شود. با این حال، تکثیر آسان می‌تواند نتایج ناخوشایندی نیز داشته باشد. پس از آنکه مخترعان ایده ابتکاری خویش را عرضه و چه بسا نخستین مظهر تجسم یافته آن را نیز تولید کردند، این ایده و نمونه نخست، به صورت یک شیء فیزیکی محصور نمی‌ماند و به آسانی تکثیر می‌شود؛ در نتیجه ارزش ایده به شدت کاهش یافته و متناسب با هزینه‌های ابداع آن نخواهد بود. حقوقدانان با تحلیل خود توانستند میان شیء فیزیکی و ایده خلاقانه تفکیک قائل شوند و برای مشکل مذکور راه‌حلی بیابند. در نظر آنها اختراع تجسم یافته در قالب یک ماشین و یا آفرینش ادبی و هنری در قالب یک شیء فیزیکی، مانند اجسام مادی است با همان ساختار سنتی و با همان قواعد مرسوم؛ اما آثار مترتب بر استفاده از ایده جدید در تولید و تکثیر انبوه که ناشی از جهان صنعتی است و تبدیل دانش به ثروت را میسر می‌سازد، از قواعد حاکم بر شیء فیزیکی تبعیت نمی‌کند. حاصل اندیشه مالکیت فکری چنین تفکیکی است.

۱. «قال رسول الله ﷺ: سباب المؤمن فسوق و قتاله كفر و اكل لحمه معصية و حرمة ماله كحرمة دمه» (مسعود بن عیسی ورام؛ مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۲۰۹. عباس قمی (شیخ)؛ سفینه البحار؛ ج ۱، ص ۱۱. محمد بن یعقوب کلینی رازی؛ اصول کافی؛ باب السباب، ج ۲، ص ۳۶۰. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۲، ص ۲۵۵. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۵۹۹ و ۶۱۰).

دستیابی به این تفکیک، آسان و سریع به دست نیامده است. با مراجعه به خاستگاه مالکیت فکری درمی‌یابیم این نهاد در بستر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، قضایی و اخلاقی جهان غرب صنعتی به صورت تدریجی شکل گرفته است.^۱

حقوقدانان و قضات در چنین ساختاری قدم به قدم قواعدی را بنا نهاده‌اند که هم‌اکنون با دیگر ابعاد زندگی اجتماعی و صنعتی، به شکل‌گیری مجموعه قواعد منظم منجر شد که به درستی می‌توان از آن به نظام مالکیت فکری با دو شاخه اصلی کپی‌رایت یا مالکیت ادبی - هنری و مالکیت صنعتی یاد کرد.

درباره نقش مالکیت فکری در ترویج علم و فناوری سخن فراوان گفته شده و برخی تجارب تاریخی نیز نشان می‌دهد با حمایت حقوقی از یافته‌های ابداعی بشر، تحت شرایطی رشد علم و فناوری رو به فزونی می‌نهد.^۲ این رشد

۱. در قرن شانزدهم، نظام سانسور به شدت از جانب پادشاهان اروپایی و کلیسا در حوزه نشر کتاب اعمال می‌شد. بدین‌منظور در انگلستان، حق نشر آثار با فرمان پادشاه به ناشران خاصی اعطا می‌شد. این فرایند تحت تأثیر ناآرامی‌های سال‌های آخر قرن هفدهم از جمله انقلاب ۱۶۸۸ زیرسؤال رفت و زمزمه حق آزادی نشر در محافل کویاگون، شایع شد. به تدریج این استدلال - که حق نشر، یک حق اقتصادی متعلق به پدیدآورنده است و باید محترم شمرده شود - در محافل علمی و ادبی قوت یافت و فلاسفه نیز که پیشتر از منظر اندیشه سیاسی به مسئله نگرسته، درصدد تحدید قدرت بودند، پایه‌های نظری آن را ارائه کردند. در نهایت پارلمان انگلیس در سال ۱۷۰۹م نخستین قانون کپی‌رایت را به تصویب رسانده، حقوق مادی پدیدآورنده را به رسمیت شناخت. ر.ک:

Julien Hofman, *Introducing Copyright, A Plain Language Guide to Copyright in the 21st Century*, pp. 3-4; W.R. Cornish, *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trade Marks and Allied Rights*, pp. 339-341.

۲. به عنوان مثال، با شروع حمایت نظام حق اختراع از محصولات دارویی در دهه ۱۹۸۰م در کره جنوبی، شرکت‌های داروسازی داخلی به گونه چشم‌گیری سهم خود را در بازار این کشور افزایش دادند. در بُعد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز همین تأثیر گزارش شده است. طبق یک نظرسنجی از شرکت‌های دارویی و شیمیایی پیشرو در آلمان، امریکا و ژاپن،

باعث شده است تا شکل سرمایه تجاری نیز تغییر اساسی یابد؛ به گونه‌ای که شکل سرمایه شرکت‌ها از انحصار دارایی‌های مادی خارج شده، اموال و دارایی‌های معنوی را نیز شامل می‌شود؛ برای مثال، در سال ۱۹۸۲م حدود ۶۲ درصد از دارایی شرکت‌های امریکایی را دارایی‌های مادی آنها مثل ساختمان، زمین، ماشین‌آلات، مواد اولیه، پول و مانند اینها تشکیل می‌داد، در حالی که در سال ۲۰۰۰م سهم دارایی‌های فکری این شرکت‌ها به ۷۰ درصد مجموع دارایی آنها بالغ شد و سهم دارایی‌های مادی به کمتر از یک سوم مجموع دارایی‌های آنها تقلیل یافت.

البته باید گفت رشد علم و فناوری از طریق حمایت حقوقی از نوآوری تحت نظام مالکیت فکری در کشورهایی با زیرساخت‌های مناسب علم و فناوری و دارای نظام بازار و سرمایه کافی میسر است. تجربه کشورهای کمتر توسعه یافته ممکن است از نیرو و منابع انسانی خلاق و متفکر بی بهره‌مند باشند، ولی این امکان وجود دارد که به دلیل نبود زمینه‌ها و بسترها نتوانند به راحتی در مسیر تبدیل دانش به ثروت قدم بردارند، به گونه‌ای که بتوانند در عرصه جهانی به رقابت پردازند؛ از این رو، گناه بین‌المللی شدن حمایت از مالکیت فکری تهدیدی برای برخی کشورها محسوب می‌شود. آنان از یک سو به کالای تولیدی کشورهای صنعتی نیازمندند و از سوی دیگر، در استفاده از یافته‌های دانش و ورود به عرصه تولید عمومی ناتوانند و در فرض توانایی، قدرت رقابت ندارند.

این شرکت‌ها اعلام کرده‌اند میزان حمایت یک کشور از مالکیت‌های فکری، تأثیر اساسی بر تصمیم‌گیری آنها در سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و توسعه در آن کشور خواهد داشت؛ به عنوان مثال، به دنبال تقویت قوانین و نظام حق اختراع مکزیک در سال ۱۹۹۱ سرمایه‌گذاری شرکت‌های امریکایی در بخش تحقیقات و توسعه صنایع دارویی این کشور به بیش از دو برابر افزایش یافت، رک:

Lee Jeong-Yeon and Edwin Mansfield, "Intellectual Property Protection and U.S. Foreign Direct Investment", pp. 181-86. (مترجم)

ریشه این نگرانی را هنگامی می‌توان دریافت که ادعای نظام مالکیت فکری به درستی تبیین گردد. براساس نظام مالکیت فکری، دیگران نمی‌توانند از یافته علمی صاحبان اختراع و ابداعات و دیگر اموال فکری بهره‌برداری تجاری کنند. حتی اگر دیگری بدون اطلاع قبلی با صرف هزینه به ایده یکسانی دست یابد، از نتیجه فکر خود نمی‌تواند به عنوان کالای فکری بهره‌مند شود. این موضوع باعث می‌شود محققان و کشورهای در حال توسعه به شرکت در رقابت بسیار سنگینی ملزم شوند که چه‌بسا زیرساخت‌های لازم را برای چنین امری در اختیار نداشته و توان شرکت در چنین رقابتی را ندارند.

تبیین مشروعیت این امر و پذیرش مالکیت فکری در نظام‌های حقوقی مختلف کاری بس دشوار بوده و باعث مباحث فراوانی شده است. در ادامه این نوشتار نخست ساختار مالکیت فکری تحلیل خواهد شد. در ادامه، خاستگاه این اموال و سپس گرایش‌های بین‌المللی مرور شده و جایگاه فلسفه مالکیت فکری و ساختار مباحث آن بررسی می‌گردد.

ساختار مالکیت فکری

آفرینش‌های فکری دارای دو شاخه «کپی‌رایت یا آفرینش‌های ادبی و هنری» و «آفرینش‌های صنعتی و تجاری» اند. معاهدات و قوانین داخلی کشورها به جای ارائه تعریف از این دو شاخه مالکیت فکری، به بیان مصادیق پرداخته است؛ برای مثال، معاهده برن که پایه حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری است، در ماده ۲ فقط با بیان عنوان «آثار ادبی و هنری» مصادیقی را به صورت نمثلی ذکر کرده است. در بند ۱ این ماده آمده است: «اصطلاح آثار ادبی و هنری تمامی آفرینش‌های مربوط به حوزه ادبی، علمی و هنری را صرف‌نظر از روش یا شکل ابراز آنها دربرمی‌گیرد، مانند کتاب، جزوه و دیگر نوشته‌ها؛ خطابه و سخنرانی، نطق‌های رسمی، موعظه‌ها و دیگر آثاری که دارای ماهیت مشابه هستند؛ آثار نمایشی یا نمایشی - موسیقایی، رقص، پانتومیم؛ قطعه موسیقی